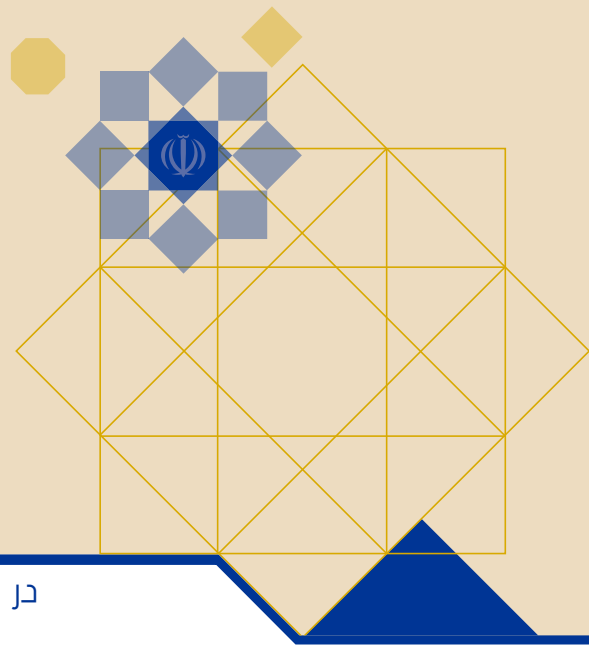




از کارزون تا غزه؛ جلوه های بیداری اسلامی

در شعر نصرالله مردانی و معین بسیسو

علی خالقی^(*)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۵/۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۵/۹/۲۱

چکیده

بیداری اسلامی به عنوان یک الگوی نوین برای تلاش های جمعی در جهت تغییر و تحوّل در جوامع اسلامی و دیگر نقاط جهان تلقی می شود، این جنبش نه تنها به دنبال احیای هویت اسلامی است، بلکه به عنوان یک نیروی محرکه برای ایجاد تحوّل و پیشرفت در عرصه های مختلف بشری نیز محسوب می شود. بررسی و مطالعه نقش نصرالله مردانی و معین بسیسو، شاعران معاصر ایران و فلسطین، در بیداری اسلامی و تحلیل مؤلفه های این الگوی بیداری در اشعارشان نشان می دهد که هر دو شاعر تأثیر چشمگیری در احیای اندیشه های دینی، تقویت همبستگی، ایجاد خودباوری و زنده کردن روحیه بازگشت مسلمانان به عظمت گذشته خود داشته اند. این جستار ادبی بر آن است تا با تحلیل تطبیقی اشعار نصرالله مردانی

(*) استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.khaleghi@cfu.ac.ir

شاعر معاصر ایرانی و معین بسیسو شاعر فلسطینی و به روش تطبیقی بر مبنای مکتب تطبیقی آمریکایی به بررسی جلوه های بیداری اسلامی در دیوان این دو شاعر و نوع نگاه آنها به مقوله جریان بیداری اسلامی در ایران و فلسطین پردازد. پرسشی که در این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن هستیم: چگونه مفهوم بیداری اسلامی در اشعار مردانی و بسیسو جلوه نموده است؟ یافته های اساسی این پژوهش نشان می دهند که جلوه های بیداری اسلامی از قبیل اتحاد در موضوع وطن، دفاع از ملت خود، استعمارستیزی، ظلم ستیزی، تجلیل از شهید، اعتراض سیاسی و اجتماعی و غیره در اشعار هر دو شاعر جلوه گر شده اند؛ بدون اینکه از یکدیگر متأثر باشند. نصرالله مردانی، در اشعار خود از شهید و شهادت، وحدت میان مسلمانان و خدمت به وطن، به عنوان یک دستور دینی، برای امور سیاسی و ملی استفاده میکند و آن را برای مقابله با ظالمان ضروری میداند. شاعر با پرداختن به چنین موضوعات جدید که ریشه در دین دارند، تعهد دینی- سیاسی خود را نشان می دهد. معین بسیسو نیز در قصاید خود در حوزه بیداری اسلامی و در قالب موضوع های گوناگون سیاسی و اجتماعی مانند دفاع از آرمان فلسطین، عشق به وطن، شکایت از ستم حکمرانان ظالم، مخالفت با سلطه بیگانگان بر فلسطین، دعوت به آزادی و امید به پیروزی سخن می گوید.

واژگان کلیدی: شعر، ادب تطبیقی، بیداری اسلامی، نصرالله مردانی، معین بسیسو.

۱. مقدمه

بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می شود. موج بیداری اسلامی در اثر حرکت مصلحان بزرگ دینی مانند جمال الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده در دوره معاصر در مصر شکل گرفت و تداوم یافت و در سایر کشورهای عربی و اسلامی

نیز رونق گرفت و امروزه ما تأثیرات آن را در سطح بین‌المللی شاهد هستیم. ادبیات فارسی و عربی از پربارترین ادبیات جهانی در زمینه انواع گونه های ادبی مختلف تلاش های موفقیت آمیزی در تاریخ داشته اند. هنگامی که به بن مایه های مختلف آثار آنها توجه می شود با انواع ادبی مختلف در مضامین بیداری رو به رو می شویم در این حوزه «شعر به عنوان اثری شاخص در کنار دیگر گونه های ادبی نقش بارزی در پویایی و تحرک اندیشه نوین اسلامی داشته و این نوع گونه ادبی در تلاش است که پیشینه ملل مختلف را در جریانات و بحرانهای گذشته و موجود در جوامع مختلف را بررسی کرده و بهترین راهکار را در جهت بیداری اندیشه ها ارائه دهد تا مواضع اسلام در رابطه با شناخت تمام عوامل و اسباب روشنگری و بیداری جبهه اسلامی را بیان کند و به طور مستمر سعی بر این دارد ملت مسلمان را نسبت به مسائل مختلف کوچک و بزرگ آگاه سازد» (بلاوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲)

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بین رشته ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با هنرها و علوم انسانی می پردازد. بیداری اسلامی به عنوان یک واکنش نسبت به چالش های متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که مسلمانان با آن مواجه هستند، شکل گرفته است. مسلمانان در این جنبش برای بازپس گیری عظمت تاریخی خود و احیای هویت اسلامی، به پا خاسته اند. این بیداری نه تنها به دنبال تغییرات سیاسی در کشورهای اسلامی است، بلکه به عنوان یک تلاش مشترک برای بهبود شرایط زندگی، تحقق حقوق بشر و ترویج عدالت اجتماعی نیز محسوب می شود. در بسیاری از جوامع اسلامی، این جنبش به جرقه ای برای تغییرات بنیادین تبدیل شده است که به دنبال آن مسلمانان با تمسک به اصول اسلامی و ارزش های انسانی، تلاش می کنند تا سرنوشت خود و سرزمین هایشان را در دست بگیرند. ابعاد مختلف این بیداری، از جمله جنبه های فرهنگی و اجتماعی، به وضوح نشان می دهد که مسلمانان به دنبال احیای روحیه همبستگی و اتحاد در میان خود هستند. نصرالله مردانی و معین بسیسو از جمله

شاعران معاصر ادب فارسی و عربی هستند که در اشعارشان شاخص‌ها و نشانه‌های فراوانی از بیداری اسلامی و اندیشه‌های ناب اسلامی در جهت تقویت وحدت جهان اسلام، همبستگی، جهاد و بارور ساختن بذر امید در میان مسلمانان را بازتاب داده شده است.

۱-۱. سوال‌های پژوهش

- ویژگی‌ها ومؤلفه‌های بیداری اسلامی در اشعار دو شاعر مذکور چیست؟
- عوامل و سرچشمه بیداری اسلامی در اشعار نصر الله مردانی و معین بسیسو چه بوده است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

براساس جستجوهای صورت پذیرفته درباره دو شاعر نامی نصرالله مردانی و معین بسیسو تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده است به طور نمونه: رستم پورملکی و همکاران (۱۳۹۱) مقاله‌ای با موضوع «صورة الشهيد في شعر أحمد دحبور و معین بسیسو»، در مجله لسان مبین به چاپ رسانیدند. این پژوهش بر آن بوده تا با نگاهی کلی به موضوع شهید در اشعار این دو شاعر و همچنین تبیین سبک هنری شان بپردازد. این تحقیق به بررسی موضوع «تعهد و شهادت» در شعر شاعران فلسطینی، به ویژه پس از سال ۱۹۶۸ می‌پردازد. در این دوره، شعر فلسطینی با تمرکز بر همراهی با مبارزان و شهیدان، به تصویرگری رنج‌ها، یادآوری افتخارات و ترویج فرهنگ شهادت به عنوان تنها راه پیروزی ملت پرداخته است. شاعران مورد مطالعه احمد دحبور و معین بسیسو هستند که به طور گسترده به این مفاهیم در اشعار خود پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با نگاهی کلی به موضوع تعهد در اشعار این دو شاعر، سبک شعری آنها را از منظر زبان، تصویرسازی و موسیقی شعر در بازه زمانی ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰ تحلیل می‌کند.

محمدی افشار و همکاران (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های پایداری در شعر سلمان هراتی و معین بسیسو»، در مجله پژوهشنامه اورمزد انتشار داده‌اند. این مقاله به بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر دو شاعر معاصر، سلمان هراتی و معین بسیسو، با روش تطبیقی توصیفی-تحلیلی می‌پردازد. بنابراین نویسندگان به بررسی و تحلیل مضامین مشترک پایداری همانند: تعهد، وطن‌دوستی، دعوت به مبارزه، پاسداشت مقام شهدا، بیان صریح و ترسیم چهره‌های برجسته پایداری پرداخته‌اند.

بابا سالار و همکاران (۱۳۹۸)، مقاله‌ای با محوریت «جلوه‌های مقاومت در اشعار نصرالله مردانی و بدوی الجبل»، در مجله ادبیات پایداری منتشر نموده‌اند. این پژوهش، با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، به بررسی جلوه‌های ادبیات مقاومت در اشعار نصرالله مردانی و بدوی الجبل می‌پردازد. نتایج این مقاله نشان داد جلوه‌های مقاومت از قبیل وطن‌پرستی دعوت به مقاومت، دفاع از ملت خود، و غیره در اشعار هر دو شاعر جلوه‌گر شده بدون اینکه از یکدیگر متأثر باشند.

نابراین این جستار ادبی با تأکید بر مفهوم بیداری اسلامی و نقش کم‌نظیر آن در جهان اسلام، و جلوه‌نمایی آن در شعر و ادب عربی و فارسی بر اشتراکات فرهنگی و ادبی ایران و فلسطین دارد لذا از این منظر دارای نوآوری در موضوع می‌باشد.

۳-۱. آشنایی مختصری با دو شاعر

شاعر «معین توفیق سید خلیل بسیسو در سال ۱۹۲۷ در شهر غزه به دنیا آمد. وی از شاعران واقع‌گرا و مردمی است او در اشعارش از مکتب رمزی اروپا بهره برده است» (ابوالشباب، ۱۹۸۸: ۲۵۱) وی علاقه وافری به استفاده از نماد و به به کار بردن آن در حوزه ادبیات پایداری دارد از این ابزار برای «نشان دادن نارضایتی خود از ظلم و ستم حاکم بر سرزمین‌های عربی استفاده کرده است این امر را می‌توان نشان

دهنده تعهد و التزام شاعر دانست» (پرهام، ۱۳۶۲: ۳۹) «نصرالله مردانی متخلص به ناصر در شهر کازرون دیده به جهان گشود او از شاعران معاصر ادبیات پایداری می‌باشد وی مبدع سبک جدیدی در ادبیات پایداری که پیوندی از حماسه و غزل است می‌باشد» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۳) و پس از تحلیل نمونه های شعری این شاعران مشخص شد که مولفه های شهید و شهادت طلبی نمادها و اسطوره ها تشویق به مبارزه و پیشروی در میدان نبرد و سازش ناپذیری وایثار تقریباً به یک صورت در اشعار هردو شاعر بازتاب داشته است. مفهوم وطن به دلیل اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست ها و تاثیر این مطلب در اشعار معین بسیسو با مفهوم وطن در اشعار نصرالله مردانی تفاوت های دارد هرچند در مواردی چون مبارزه و جان دادن در راه وطن دارای اشتراکاتی است از جمله موارد مورد اختلاف در اشعار مردانی و معین بسیسو استفاده از نمادهای شعری است که مردانی با بکارگیری نماد ملی و اسطوره ای خلق حماسه می‌کند در حالیکه بسیسو با نمادهای از طبیعت به پایداری و مبارزه دعوت می‌کند. با توجه به نزدیک بودن فرهنگ دو ملت ایرانی و عربی و ظهور شاعرانی همانند نصرالله مردانی و معین بسیسو انجام تحقیقی که به بررسی تطبیقی جلوه های بیداری اسلامی در آثار و سبک آنها بپردازد می‌تواند تلاشی سودمند در جهت مشخص شدن مشترکات و تبیین تفاوت ها در اشعار بیداری اسلامی دو ملت باشد. به عبارت دیگر انجام این چنین تحقیقی به طور واضح مشخص نماید که چگونه با پیدایش یک فکر و اندیشه در نقطه ای از جهان در نقطه دیگر همان فکر و اندیشه به طریقی دیگر نمایان شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱. بیداری اسلامی

منظور از بیداری اسلامی، «بیداری فکر و عقل، بیداری اراده، همت و عزم، بیداری عمل و در کل می‌توان گفت یک بیداری کامل و شامل است» (القرضاوی، ۱۹۹۷:

۱۰). بیداری آغاز حرکت و روانه شدن به سوی فعالیت بوده و قطعاً این بیداری، ادامه و تجدید حرکت‌های اسلامی و مکاتب فکری و عملی است؛ حرکت‌هایی که افراد خوش‌فکر، سردمداران آن هستند و تلاششان، بیداری ملت در هر نقطه از سرزمینهای اسلامی است» (قادری، ۱۴۰۲: ۹۳). ادبیات به عنوان یکی از اشکال بارز آگاهی اجتماعی، نقش مهم و اساسی در بیداری و آگاه ساختن و تحریض ملت‌ها و متبلور ساختن آگاهی در میان جمهور ملت دارد» (العراقی، ۱۹۹۸: ۵). در بسیاری از آیات قرآن، خداوند متعال به جهاد علیه ظلم دعوت می‌کند، از جمله: ﴿جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ (حج: ۷۸) ترجمه: (به خاطر خدا جهاد کنید، آنچنان که شایسته جهاد کردن در راه اوست. اصولاً غفلت‌ستیزی اصلی‌ترین شاخصه شعری نسل شاعران معاصر است). واژه، سلاحی است که شاعر به واسطه‌ی آن از خودش، آرمان‌ها و کیان تهدید شده‌اش دفاع می‌کند «قدرت کلام اعتراضی در سطح سیاسی، در مواجهه با دشمن و بستن راه او جلوه‌گر می‌شود و استقامت بر سر خواسته‌هاست که از سقوط ارزش پیکاری شعر معترض جلوگیری می‌کند» (المقالح، ۱۹۹۲: ۳۸)

۳- تحلیل بیداری اسلامی در شعر معین بسیسو و نصرالله مردانی

ادبیات تطبیقی در دوره‌ی معاصر به لحاظ مطرح شدن و گسترش مباحثی همانند: ترجمه، نقد ادبی، جهانی شدن مسائل مربوط به عرصه‌ی فرهنگ و ادبیات و گفتگوی میان تمدن‌ها بسیار حائز اهمیت شده است. از این رو، در بین تأثیر و تأثرهای متقابلی که فرهنگ و ادبیات ملل مختلف بر یکدیگر داشته‌اند، میزان تأثیر و تأثر ادبیات عربی و فارسی از همدیگر، امری است که بر هیچ محقق و پژوهنده‌ی کاوشگری در عرصه‌ی ادبیات فارسی و عربی پوشیده نیست. خلق آثار ادبی همواره تحت تأثیر شرایط خاص اتفاق می‌افتد، و این جامعه است که ماده‌ی ادبی را می‌سازد.

از نظر هیپولیت تن^(۱) «ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلیات عصر نویسند است. آثار ادبی نتیجه تعامل سه عنصر هستند: زیستی، فرهنگی و تاریخی. عوامل زیستی در نژاد، فرهنگی در محیط و تاریخی در زمان بروز می‌کنند» (علایی، ۱۳۸۰: ۲۳). مؤلفه‌های پایداری به طور کلی برجسته کردن و تشخیص بخشیدن به پیام‌های انسانی از جمله آزادی، حق خواهی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی، وطن دوستی، استقامت و پایداری، بهره‌گیری از نمادهای ملی و دینی در حوزه‌ی اسطوره سازی، استفاده از بیان روایی و داستان گونه، نگاه حماسی عرفانی به پدیده‌ی جنگ و تبعات آن محسوب می‌شود. (مهتدی، ۱۴۰۴: ۱۲۳) امیل الغوری^(۲) مؤلفه‌های شعر پایداری را این گونه بر شمرد: «ترسیم چهره رنج کشیدگان، بیان جنایت و بیدادگری‌ها، ستایش جان‌باختگان و شهداء، ستایش مقاومت وطن و عشق به وطن، بکارگیری نماد، القای امید به آینده و پیروزی نهایی حق، ستایش آزادی و آزادی، بیان بی‌هویتی جامعه و بی تفاوتی حاکمان، دعوت به مبارزه، طرح اسطوره‌های ملی و قومی، بیان مشکلات اجتماعی ناشی از آوارگی مردم، محکوم کردن زپرستی، اشرافیت و دنیازدگی، سرزنش حزب گرایی و اختلاف پراکندگی» (الغوری، ۱۹۵۹: ۲۴۶) حال در این بخش از پژوهش به بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی در شعر نصرالله مردانی و معین بسیسو خواهیم پرداخت:

۳-۱. بیداری و آگاهی مردم

همان‌گونه که در مبحث بیداری اسلامی گذشت، این بیداری شامل مؤلفه‌های مهمی چون آگاهی کامل و فراگیر، منطق پذیری و همت توده‌های مردم است. این بیداری در کشورهای عربی با تلاش‌های جمال الدین اسدآبادی در مصر شروع شده و فعالیت‌های شاگرد وی محمد عبده و در ادامه نیز فعالیت‌های رشیدرضا و

(1) Hippolyte Taine

(۲) - امیل الغوری (۱۹۰۷-۱۹۸۴م) از مشهورترین سیاستمداران فلسطینی و دبیرکل حزب عربی فلسطین می باشد.

شاگردانش بر وسعت آن افزود و به تدریج تمامی کشورهای عربی چون فلسطین و لبنان و سوریه و لیبی و... را فراگرفت. در ایران نیز این بیداری با تلاش های امیرکبیر در اصلاح طلبی اسلامی شروع شده و در ادامه با ورود علمای اسلام به این عرصه، دوره ی جدیدی از بیداری اسلامی در کشور شکل گرفت که اوج آن را در دوران قاجار با نهضت تنباکو مشاهده می کنیم. در ادامه نیز فعالیت های بیدارگرایانه ی سید جمال الدین اسدآبادی و روحانیونی مانند مدرس و کاشانی زمینه را برای آماده شدن شرایط برای مرجعیت امام خمینی ره در تحولات بزرگ بیداری اسلامی و ورود مسأله ی فلسطین به این میدان فراهم نمود. شرایطی که در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شد که در حقیقت خروجی اصلی بیداری و آگاهی ملت مسلمان ایران زیر سایه ی رهبری امام خمینی ره بود. در مورد اشعار معین بسیسو و مردانی نیز قبل از ورود به بررسی اشعار آنها باید به این نکته اشاره نمود که آگاهی ملت یکی از رسالت های شاعران متعهد محسوب می شود. در این زمینه معین بسیسو در سروده "الوردة والعصفور" با نماد قرار دادن (العصفور) برای فلسطینی ها و آوردن کلماتی همچون (استیْقَظَ) و تکرار آن و (تَوْشِكُ أَنْ تَسْقُطَ) و (بئر) سعی در بیداری عربها دارد:

«نَامَ الْعُصْفُورُ / (الوردة) راحَتْ حَوْلَ الْعُصْفُورِ تَدُورُ / وَتَدُورُ اسْتَيْقِظْ يَا عُصْفُورُ /
 قَالَوْرْدَةُ تَتَرَنِّجُ، تَوْشِكُ أَنْ تَسْقُطَ فِي «بئر» / اسْتَيْقِظْ يَا عُصْفُورُ / آهْ عَلَى رِيَشِكِ قَدْ دَبَّ
 السُّوسُ إِلَيْهِ / يَا عُصْفُورُ الدُّودُ عَلَى سَاقِ الْوَرْدَةِ، وَالْدُّودُ عَلَى / وَرَقِ الْوَرْدَةِ، وَالْوَرْدَةُ،
 تَوْشِكُ، أَنْ تَسْقُطَ يَا عُصْفُورُ / اسْتَيْقِظْ يَا عُصْفُورُ / اسْتَيْقِظْ يَا عُصْفُورُ / اسْتَيْقِظْ يَا
 عُصْفُورُ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۵۶۰)

ترجمه: (گنجشک خوابید / گل اطراف گنجشک چرخید چرخید، ای گنجشک بیدار شو گل خم شد نزدیک است که در چاه بیفتد ای گنجشک بیدار شو کرم بر روی، پرتو رخنه کرده ای گنجشک، گل خم می شود خم می شود خم می شود در حالیکه می چرخد کرم بر روی ساقه گل است و کرم بر روی برگ است / ای گنجشک

نبض تاریخی ز تو خونین است مرگ این گونه به از زندگی ننگین است
(مردانی، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

بنابر اشعار فوق مردانی با استفاده از کاربرد واژگان (سیل فریاد/ نبض تاریخی/ نعره خون/ رسوا کردن) در تلاش برای بیان میزان خشم و انزجاری در مقابل ضحاک زمانه است فریادی که در نهایت به رسوایی و آگاه سازی ملت ایران منتهی می گردد.

نصرالله مردانی در مثالی دیگر با هدف آگاهی ملت خویش نسبت به دشمنان ایران هشدار می دهد که فریب حيله های آنها را نخورند:

بخوان ترانه غم با پرنده های غریب چگونه دعوی پیکار، روبهان دارند
ردای حيله تن کرده باز گرسبوز که دل ز شکک پوشالی جهان سیراست
امیر بیشه انبوه پرخطر شیر است سلاح کاری پیران، پیر تدبیر است
(مردانی، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

شاعر در ابیات فوق با استفاده از صنعت تشبیه مفهوم بیداری و آگاهی را در ساختار چشم نوازی برای خواننده به نمایش در آورده است، تشبیه دشمنان مگار به روبهان، و تشبیه بیشه پرخطر به کشور ایران، و تشبیه رهبر انقلاب به پیران پیر تدبیر تصاویری بدیع را پدید آورده است که به تقابل دشمنان و ملت ایران اشاره دارد و هدف از آن آگاه سازی مخاطب نسبت به فریب دشمنان ایران و توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب است.

۳-۲. امید به پیروزی

یکی دیگر از مؤلفه های بیداری اسلامی امید به پیروزی و موفقیت در مسیر پیشرو است چرا که در بیداری اسلامی، ناامیدی و شکست هیچ معنایی ندارد و مبارز مسلمان چه در مسیر پیشروی خود شهید شود و چه به نتیجه دست یابد در هر صورت پیروز و سربلند است و چه بهتر که این تلاش به نتیجه مطلوب خود

دست یابد و «شاعر پایداری نیز تلاش می‌کند تا بارقه‌های این امید را پیوسته در وجود مردم روشن و پویا نگه دارد» (طالب پور، ۱۴۰۲: ۱۷۹). بر این اساس امید به موفقیت و پیروزی یکی از مضامین برجسته در شعر شاعران است. معین بسیسو همواره امید مردم سرزمینش را زنده نگه داشته و آنها را به پایداری دعوت می‌نماید: «لَتَسْمَعِي أَسْطَوَانَةً / لَاتَفْتَحِي كِتَابًا .. / لَا تَقْرَأِي جَرِيدَةً ... / هَذَا زَمَانٌ فِيهِ يَا حَبِيبَتِي الْقَصِيدَةُ / كَبْرَمَكِي يَتْبُعُهَا بِسِفِهِ مَسْرُورٌ / رُؤُوسُنَا عَلَى مَوَائِدِ الْجَرِيمَةِ / كَأَنَّهَا الْأَقْمَارُ فِي صُحُونِهِمْ تَدُورُ / كَأَنَّهُ يُوَلَّدُ مِنْ رِقَابِنَا / فِي كُلِّ عَصْرِ، يَا حَبِيبِي مَرُورٌ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۳۳۷)

ترجمه: (گرامافونی گوش مکن کتابی مگشا روزنامه ای مخوان / چرا که ای محبوب من این دوره، دوره ای است که در آن قصیده، مانند زنی برمکی است که مسرور با شمشیر خود در تعقیب آن است / سرهای ما بر سفره های مجازات است گویا آن سرها ماه هایی هستند که در مجمعه های آن ها می‌گردد اگر اینکه ای محبوب من از گردن های ما در هر دوره ای مروری متولد می‌شود).

در حقیقت برگ اول به وجود دشمنی دیوانه و خونخوار اشاره می‌کند، یعنی دلیل اول و اصلی مقاومت دشمنی است که بویی از عشق و احساسات نبرده است. بنابراین زمانی که این دشمن دنبال ماست نه می‌توان گرامافونی گوش داد، نه کتابی باز کرد و ته روزنامه ای خواند. زمانی که دشمن دیوانه حاکم بر ماست همه چیز از ارزش تبدیل به ضد ارزش می‌گردد.

و در دفتر دوّم همان قصیده اینگونه سخن می‌گوید:

«الرُّعْبُ وَالْكَذِبُ / صَاحِبَانِ كَانَا دَائِمًا هُنَاكَ ... / وَرَاءَ هَذِهِ الْأَسْلَاحِ / الرُّعْبُ وَالْكَذِبُ / عَلَى سَرِيرٍ وَاحِدٍ تَمَدَّدَا / وَأَنْشَدَا وَعَرَبَدَا / الرُّعْبُ وَالْكَذِبُ / قَدْ سَكَّرَا مِنَ الطَّرَبِ» (همان: ۳۳۸)

ترجمه: (ترس و دروغ ادو یار همیشگی اند در پشت این سیم ها ترس و دروغ ابر روی یک تخت خوابیدند و سرود خواندند و مستانه نعره زدند ترس و دروغ

از خوشحالی مست شده بودند). در برگ دوم او به درون جامعه خویش و صفات مردمانش می‌پردازد. یعنی دلیل دوم بدبختی و جبهه دوم مبارزه بیو عامل اصلی را در بیچارگی شان، وحشت و دروغ می‌داند انسان دروغگو و ترسو، لیاقت گل طبیعی را ندارد. برای او همان شکل گل مصنوعی کافی است تا زمانی که این دو مفت در جامعه حکمفرما باشد، رسیدن به سعادت محال است.

در برگ سوم با مفهوم امید و رجاء به پیروزی و سربلندی مردم فلسطین می‌خوانیم: «كَانَ يُرِيدُ أَنْ يَقُولَ / كُلُّ مَا فِي صَدْرِهِ / لَكِنَّهَا طَوِيلَةٌ طَوِيلَةٌ أُنْيَابُ هَذَا الْغُولِ / فَادَّعَى الْجَنُونَ ... / وَقَالَ كُلُّ مَا يُرِيدُ أَنْ يَقُولَ / وَحِينَمَا أَرَادَ أَنْ يَعُودَ عَاقِلًا / أُصِيبَ بِالْجُنُونِ» (همان: ۳۳۹)

ترجمه: (می‌خواست هر آن چه در سینه دارد بگوید اما دندان های این غول بسیار بسیار بلند بود / پس خود را به دیوانگی زد / و هر آن چه می‌خواست بگوید را گفت / ولی هنگامی که خواست دوباره عاقل شود / به جنون واقعی مبتلا گشت). شاعر در برگ چهارم در قصیده «الرصاصه الأولى» می‌گوید:

«جُمُجْمَةُ فَلَسْطِينَ مَحَبَّرَةٌ / لِنَغِمَسِ أَغْصَانِ اللَّيْمُونِ ... / وَ لِنَكْتَبِ يَا شُعْرَاءَ التِّينِ وَ شُعْرَاءَ الزَّيْتُونِ / وَ عَلَى أَوْرَاقِ الْمَوْزِ وَ فَوْقَ زُجَاجِ نَوَافِذِنَا / أَشْعَارًا لِفَلَسْطِينَ ... / جُمُجْمَةُ فَلَسْطِينَ هِيَ الْخُوْذَةُ / فَوْقَ الرَّأْسِ ... / وَ هِيَ الْكَأْسُ ... / فَلَنْشَرِبَ فِي جَبْهَةِ فَلَسْطِينَ / نَخَبَ فَلَسْطِينَ...» (همان: ۳۹۸)

ترجمه: (جمجمه فلسطین مرکب دان است باید شاخه های لیمو را در آن فرو بریم و باید که ای شعرای انجیر و زیتون ابر برگ های موز و روی شیشه های پنجره هایمان اشعاری برای فلسطین بنویسیم اجمجمه فلسطین کلاه خودی است بالای سر او نیز جامی است پس باید که در جبهه فلسطین شراب فلسطین را بنوشیم).

مردانی در غزل «دیگر اهریمن من ها نفریید دل ما» از مجموعه خون نامه خاک، با تلمیح به سوره العصر ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ﴾ (العصر: ۱-۳) قسم به عصر (نورانی رسول

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يا دوران ظهور ولي عصر عليه السَّلام). که انسان هم در خسارت و زیان است. مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند. خداوند در قرآن کریم بندگان را به ایمان و صبر دعوت می‌کند و پیروزی و رستگاری را از آن اهل صبر می‌داند:

صبح «والعصر» به پیروزی نور اندیشیم قامت این شب وحشت شیون شکنیم
(مردانی، ۸۳)

شاعر در غزل «کاهشکان رشادت» پیروزی و ظفر را از آن افرادی می‌داند که بی مهابا در راه وطن پیکار می‌کنند:

ز بانگ تندر تکبیر و جوش شهید بوس گونه یاران که با پیام امام
شهید عرصه حق بر صحیفه تاریخ سوار سنگر اسلام قلب اهریمن
هزار نهر سحر در کویر شب جوشید زکهکشان شهادت رسد سروش نوید
ز خون خوش رقم زد حماسه جاوید به تیغ نصرالله فاتحانه درید
(همان: ۱۱۰-۱۱۱)

مردانی بر این باور است که قدس تنها با جنگی مانند جنگ خیبر آزاد خواهد بود و این جنگ به دست همه مسلمانان در جهان اتفاق خواهد افتاد. وی در رباعی «خیبر خون» از مجموعه قیام نور در این باره می‌گوید:

از گور شهید، دسته نیلوفر خون در روز بزرگ قدس، شیطان بزرگ
بر قلب سیاه شب بزن خنجر خون تکرار شود به دست ما خیبر خون
(همان: ۸۴)

مردانی در قصیده زیر در تلاش است با بکارگیری شخصیت های اساطیری جامعه را از ظلم و استبداد حاکم نجات دهد از همین رو به انقلابی ها وعده فتح و پیروزی رو می‌دهد:

طلسم بسته دیوان روزگار شکست بگو که گرد زمانه دلاور تاریخ
غرور سرکش اسفندیار رویین تن صدای ضجه زنجیریان قلعه زجر

گرفت سنگر ابلیس ناجی موعود به خاک تشنه بشارت دوباره باران داد
 ز گرد راه سواری رسید با هیبت به جمع منتظران ای پیام آور فتح
 تهمتني که در قفل این حصار شکست صف سپاه مخالف به کارزار شکست
 ز تیر ترکش دستان کهنه کار شکست سکوت سنگی مردان این دیار شکست
 چو سد حوصله از سیل انزجار شکست بخوان که مرز خزان آرش بهار شکست
 دوشاخ خونی این غول در غبار شکست حضور یاد تو دیوار انتظار شکست
 (همان: ۲۷۷)

بنابراین در ابیات بالا، علاوه بر دعوت مردم به تلاش برای رهایی از ظلم و ستم، شاهد نوعی خوشبینی به آینده و امید به رسیدن به آزادی و فتح دیده می‌شود که خود این امر نشان‌دهنده‌ی اعتقاد راسخ شاعر به پایان موفقیت آمیز این مسیر است.

۳-۳. قیام و خیزش انقلابی

بخش گسترده و مهمی از اشعار نصرالله مردانی و معین بسیسو با مضمون تشویق و تهییج مردم علیه ظلم و ستم حاکم وقت عراق و ایران دولت های متجاوز خارجی سروده شده است؛ بیشتر شاعران ادب پایداری برای رسیدن به هدف و آرمان سرزمین خویش یعنی رهایی فلسطین از چنگال ظلم و ستم نه تنها مردم سرزمین خویش بلکه دیگر ملت های عربی را نیز فرا می‌خوانند. به همین سبب با دیدن شرایط جامعه خویش که مشابه شرایط ملت های عرب در زمان جنگ جهانی اول دست به تکرار آن تجربه می‌پردازد و همان تصویر سازی را با همان لحن انجام می‌دهد و می‌گوید:

«أَنَا إِن سَقَطْتُ، فَخُذْ مَكَانِي يَا رَفِيقِي فِي الْكِفَاحِ / وَاحْمِلْ سِلَاحِي، لَا يَخْفُكَ دَمِي
 يَسِيلُ مِنَ السَّلَاحِ / فَإِذَا سَقَطْنَا يَا رَفِيقِي ، فِي الْجَحِيمِ الْمَعْرَكَةِ / فَأَنْظُرْ تَجَدُّ عِلْمًا /
 رَفَرَفَ فَوْقَ نَارِ الْمَعْرَكَةِ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۵۱)

ترجمه: (من اگر افتادم ای دوست من جای مرا در مبارزه بگیر سلاحم را بردار و به سوی میدان مبارزه روی آور آنگاه که ما در جهنم جنگ فرو افتادیم / ای هم‌رمز بنگر تا در بالای آتش نبرد پرچمی را ببینی که پیوسته در اهتزاز است).
در قصیده "صلیل الجبال" با توصیف وطنی که جولانگاه دشمنان شده است سعی در تشویق هم وطنانش به مبارزه دارد و در بخشی از آن اینگونه می‌سراید:
«أخي من خلال جبال السياط و من حَلَقَاتِ الْقِيُودِ الثَّقَالِ / تَطْلُعُ إِلَى وَطَنِ
الكَادِحِينَ وَ قَدْ شَتَّقُوهُ بِسُودِ الْجِبَالِ / وَلَقُوهُ بِالْخَرَقِ الْبَالِيَاتِ وَ الْقُوَّةِ فِي الظُّلُمَاتِ
الْحُفْرِ / وَقَالُوا عَلَيْهِ التُّرَابُ الْكَثِيفُ كَأَن لَّمْ يَكُنْ فِي الرَّبِيعِ الْعُمَرُ / أَخِي مِنْ خِلَالِ الْجِدَارِ
الْكَثِيبِ وَمِنْ فَجَوَاتِ الدُّجَى وَالْحُطَامِ / تَطْلُعُ إِلَى الْأَعْيُنِ الْغَائِرَاتِ وَ قَدْ عَلِقَتْ بِسُقُوفِ
الْخِيَامِ» (همان: ۶۴)

ترجمه: (برادرم از بین این طنابهای سیاه و زنجیرهای سنگین به سرزمین تلاشگران که با طناب های سیاه به دار آویخته شده اند نگاه کن سرزمینی که آن را با ریسمانهای کهنه در هم پیچیده اند و در تاریکی های چاه انداخته اند و خاک بسیار بر سر آن ریخته اند/گویی که در بهار عمر نبوده / برادرم از میان دیوار اندوه و از شکافهای تاریکی و پوچی به چشمان فرو رفته که به سقف چادرها آویزان است بنگر).
در سروده "المهاجرون" بار دیگر شاعر روح مبارزه را در کالبد واژگان می‌ریزد و می‌گوید ای هم وطنم گر چه ترا با بدترین غذاها و شکنجه ها درغل و زنجیر کردند، ای فرزند این آب و خاک در برابر این حیوانات درنده خو، باز هم ایستادگی کن. شاعر آرزوهایش را به سان شاخه های درخت میداند که برگ می‌دهند، معین از پس واژگانش برای روز آزادی و جشن آن انجین تصویرگری می‌کند:

«تُورِقُ آمَالُنَا كَالْغُصُونِ / وَكَانَتْ جُذُورُنَا يَبِطُنُ التُّرَابِ / فَقُمْ وَادْعُ مِثْلِي لِيَوْمِ
الْخَلَاصِ / وَمِيلَادُ تِلْكَ إِلَى الْعَذَابِ / وَإِنْ قَدُوكَ وَإِنْ غَابُوكَ / فَلَا تَسْتَنْ يَا ابْنَ هَذَا
التُّرَابِ / حَيَاةُ الْغَضَابِ / بَلْ اغْرِسْ قُيُودَكَ فِي صَدْرِهَا / كَمَا غَرَسَتْ مِنْكَ ظَفَرًا وَنَابَ»
(بسیسو، ۱۹۸۱: ۶۶)

ترجمه: (امیدهایمان چون شاخه برگ و ثمر داد/ و ریشه هایمان در عمق خاک بود/ پس برخیز و همانند من برای روز رستگاری وداع کن/ و میلاد او به سوی عذاب / و اگر هم تو را هدایت کردند و اگر از تو غفلت کردند/ ای فرزند این خاک صبر مکن/ زندگی خشمگین / بلکه قید و بندت را در سینه او بکار / همانطور که از خود پیروزی کاشته ای).

سراینده تنها به همین تشویق بسنده ننموده بلکه هرگاه مجالش را بیابد این روحیه ستیز را منتشر می‌کند.

همانگونه که در سروده "حطام القیود" حتمی بودن اراده و مبارزه ملتش را به نور تشبیه می‌کند که به جنگ تاریکی ها می‌رود:

«إِرَادَةُ النُّورِ أَنْ يَذْوِيَ الظُّلَامَ / وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مِنْ آثَارِهِ أَثَرٌ / إِرَادَةُ الْفَاسِ أَنْ تَهْوِيَ السُّجُونِ / وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَحْجَارِهَا حَجَرٌ / فَاشْحَذْ فُؤُوسَكَ يَا ابْنَ الشَّعْبِ / مُقْتَلَعًا هَذِي الْقُبُورَ الَّتِي لِلشَّعْبِ قَدْ حَفَرُوا» (همان: ۶۸)

ترجمه: (نور است که تاریکی ها را ذوب می‌کند بر روی زمین اثری از آن باقی نمی‌گذارد اراده تیشه است که زندانها را خراب می‌کند بر روی زمین سگی از بیان آن را باقی نمی‌گذارد ای فرزند این سرزمین و ملت تیشه ات را تیز کن، این گورها را که برای این مردم کنده اند، ریشه کن، کن).

شاعر در سروده "لصوص الصلبان با تاکید بر این نکته که رهایی فلسطینی ها از ستم اسرائیل تنها به دست خود آنهاست به تشویق آنها برای پایداری و مقابله با دشمن می‌پردازد:

«إِنْ صَلَّى الْجَدُولُ عَنْ مَنَبِعِهِ / تَمَضُّعُهُ أَشْدَّاقُ الْكُثْبَانِ / فَحَذَارِ، حَذَارِ / لَيْسَ يُضْمَدُ جُرْحُ الْبُرْكَانِ / أَكْوَامٌ مِنْ حَطَبٍ وَدُخَانٍ / لَنَضْمَدَ جُرْحَ الْبُرْكَانِ / بِنَارِ الْبُرْكَانِ» (همان: ۳۳۷)

ترجمه: (و اگر جویبار از سرچشمه اش منحرف شده دهانهای تپه ها او را می‌برند پس برحذر باشید، بترسید زخم آتشفشان را تپه های از چرب و درد درمان نمی‌کننده

زخم آشفشان با آتش آشفشان درمان می‌شود).

علاوه بر آنچه گذشت می‌توان شعر بسیسو را متأثر از هویت فلسطینی و گرایش به آن دانست، هویتی که در موقع فشار و جنگ بیش از پیش در بین مردم فراگیر می‌شود؛ هویتی که موجب حس اتحاد و همبستگی در گروه های مختلف مردم می‌گردد. بیر نیز به عنوان یک شاعر بر خواسته از دل جامعه؛ زبان شعری اش تحت تاثیر همین هویت و روابط آن قرار گرفته است:

«لَكِ الْجَمَاهِيرُ أَبْنَاءُ بِلَا عَدَدٍ / فَلَسْتُ وَحْدَكَ يَا أُمًّا بِلَا وَلَدٍ / إِنْ يَغْلُقُوا بَيْتَنَا الدَّامِي
فَقَدْ فَتَحُوا / لَنَا الزَّنَازِينَ بَيْتًا شَامَخَ الزَّرِّ / مِنْ خَلْفِ قُضْبَانِهِ تَرْمِي الدِّمَاءَ عَلَى / مُكَبَّلِينَا
رُصَاصًا فِي قِمِّ وَيدٍ / أُمَاهُ إِنْ عَادَ اِطْفَالُ الْكِفَاحِ عَلَى مَوْجٍ / الْكِفَاحِ الَّذِي يَعْلُو وَلَمْ
نَعْدِ / وَيَسْأَلُ الشَّارِعُ الْوَلَهَانَ : أَيْنَ مَضُوا / مَا بَيْنَ مُخْتَطَفٍ لِي وَمِفْتَاحًا / أُمَاهُ مَهْمَا
اِحْتَوَانِي الْقَيْدُ مُنْفَرِدًا / فَأَنْنِي بِنِصَالِي غَيْرُ مُنْفَرِدٍ» (همان: ۲۲۵)

ترجمه: (این فرزندان فرزندان تواند پس تو ای مادر بی فرزند نیستی/ اگر خانه خونین ما را بر روی ما بستند در عرض زندانهای را که خانه ای با زنجیر های بلند است برای ما گشودند از پشت میله های آن زندان / خونهایمان را از دست و دهان / به عنوان گلوله بر سر کسانی که ما را به اسارت گرفته اند پرت می‌کنیم / ای مادر اگر قهرمانان نبرد به موج نبرد و درگیری ای که در آن بلندتر می‌گردد و فرو نمی‌نشیند برگردند و خیابان اندوهگین بپرسد که آنان به کجا رفتند / قهرمانانی که با ربوده شدند یا مفقود / ای مادر ما چنانچه بند ها و زنجیرها مرا در حالی که تنها هستم دربر گیرد اما من در مبارزه ام تنها نیستم).

به عنوان مثال، نصرالله مردانی در ابیات ذیل با زبانی نمادین به خیزش و قیام ملت خویش اهتمام ورزیده است:

ای ظفرمندان ظفرمندله در سنگر به پیش جنگجویان دلاور پیشتازان دلیر
ای سواران سحر! گردان نام آور به پیش آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
(مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱)

مردانی همچون دیگر شاعران صادق و پر احساس و پرشعور مردمی است (صدقی و عظیم زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۸). و این احساس و شور در ابیاتش تجلی یافته است وی در اشعارش از دلاوری های رزمندگان سخن می گوید که بدین شکل در برابر ظلم و ظلمت ایستاده اند:

ماییم از نیره هاییل آفتاب کاین گونه در مقابل قابیل ظلمت ایم
(همان: ۲۷)

اشعار نصرالله مردانی نشان دهنده جلوه های ایمان ایرانیان در حفظ آب و خاک و حیثیت دینی و مذهبی خویش در برابر هجوم دشمنان است. و همچنین شاعر با استفاده از شخصیت های تاریخی هاییل و قابیل به تقابل نور و ظلمت اشاره می کند وجه نور آن رزمندگانی که انقلابی وار در برابر دشمنان ایستادند و قابیلی که به پیکار آنها آمده بود.

۳-۴. دفاع از مام وطن

همواره عشق به وطن و آمادگی برای فداکاری و دفاع و پاسداشت استقلال سیاسی آن از مؤلفه های وطن دوستی به شمار می رود در طول تاریخ ایران شخصیت های برجسته ای از مام وطن دفاع نموده اند ادباء نیز حسب رسالت خود با قلم خویش در این مسیر ارزشمند اشعار نابی را آفریده اند. معین بسیسو از جمله شاعران معاصر فلسطینی می باشد که در راه فلسطین و غزه به دفاع از هویت و آرمان های کشور پرداخته است. یکی از نامهایی که در شعر بسیسو زیاد به چشم می خورد نام غزه است. بسیسو در قصیده "المدينة المحاصرة" با آوردن نام غزه به توصیف سرزمینش بعد از اشغال توسط دشمن می پردازد. نام سروده خود شاهد بر مضمون است آنگاه که می گوید:

«هذي الحسنة غَزَّة في مآثمها تدورُ / ما بينَ جَوْعي في الخيامِ وبينَ عطشي في القُبورِ / مُعَذَّبٌ يَقْتَابُ مِنْ دَمِهِ وَيَعْتَصِرُ الْجُدُورُ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۵۳)

ترجمه: (این زیبا غزه است که میان اندوههایش می‌گردد / در میان گرسنگان در خیمه ها و تشنگان در گورها/ شکنجه دیده ای که از خون خود تغذیه می‌کند و ریشه هایش را می‌فشارد).

معین بسیسو دارای احساسات وطن دوستی گسترده ای است، به همین خاطر او برای بیان این احساسات ابزارهای مختلفی را به کار گرفته است، از جمله این ابزارها می‌توان به استفاده از نام (غزه) به صورت مستقیم اشاره کرد:

«الْبَحْرُ يَحْكِي لِلنُّجُومِ حِكَايَةَ الْوَطَنِ السَّجِينِ / وَاللَّيْلُ كَالشَّحَاذِ يَطْرُقُ بِالْذُمُوعِ وَبِالْأَنْثِينِ / أَبْوَابُ غَزَّةٍ وَهِيَ مُغْلَقَةٌ عَلَى الشَّعْبِ الْحَزِينِ / فَيَحِرُّكَ الْأَحْيَاءُ نَامُوا فَوْقَ أَنْفَاضِ السَّنِينِ / وَكَأَنَّهُمْ قَبْرٌ تَدُقُّ عَلَيْهِ أَيْدِي النَّابِشِينَ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۵۴)

ترجمه: (دریا برای ستارگان داستان زندگی میهن زندانی را بازگو می‌کند و شب همچون گدایان با اشک و شیون پر درهای غزه می‌گوید درهایی که بر روی ملت اندوهگین بسته شده اند / زندگان خوابیده بر فراز سالیان را بیدار می‌کند گویی اینان دخمه ای هستند که دست گورکنان آن را باز می‌کاود). جدای از تکرار نام «غزه، و اهمیت آن در قصیده، احساسات ناسیونالیستی او در تکرار الفاظی همچون، «الوطن، الشعب، المدينة و...» گویای حس وطن دوستی اوست. نوع دیگر بیان او در این چهار چوب استفاده از نامهایی در طبیعت فلسطین است. واژگانی که مردم در زندگی روزمره خویش با آن سر و کار دارند و کم کم در حال تبدیل شدن به یادگارهایی از زندگی قدیم شاعر می‌شوند.

قصیده "ولن یمروا"، با همراه کردن مخاطب با نامهای آشنا به ذهن او، همچنان حس وطن دوستی را تقویت می‌کند:

«وَسَيَذْبَحُونَكَ بِالشَّرَاشِرِ / فَوْقَ الْأَكْوَامِ الْحَصَادِ / كَذَّابَةُ هَذِي الْمَدَافِعِ / لَا تُصَدِّقُ مَا تَقُولُ / لَمْ تَحْشَ بِالزَّيْتُونِ أَوْ الْبُرْتَقَالِ أَوْ النَّخِيلِ / بَلْ بِالْمَشَانِقِ وَالسَّلَاسِلِ» (همان: ۳۰۱)

ترجمه: (و تو را با این قطعه ها سر می‌برند بر بالای خرمن های دزو شده / این توپخانه ها بسیار دروغگو هستند. آنچه را می‌گویند باور نکن آنها با زیتون و پرتقال

و خرما پر نشده اند بلکه با طناب دار و زنجیر پر شده اند).

نصرالله مردانی با توصیف سرزمین خود و رشادت های مردم آن در طول تاریخ، از جمله مبارزات مردم، ستایش گذشته ها و حتی مظاهر سرزمین خود، مردم را به پاسداری و حراست از وطن خویش دعوت می نماید. به ویژه افرادی که در غربت به سر می برند عشق و علاقه خود را به وطن خویش به طرز باشکوهی ابراز می دارد که از همین موضوع برای تشویق مردم در جهت دفاع و حفاظت از کیان ایران اسلامی استفاده می نماید:

شهر من شهر مجروح خسته شهر آینه های شکسته
(مردانی، ۱۳۶۸: ۱۷۵)

و در مثالی دیگر:

شهر من شهر باران و پاکی کوچه در کوچه بن بست و خاکی
(همان: ۱۷۶)

نصرالله مردانی با تکرار لفظ «شهر» در ابتدای هر بیت، روح حماسی را بر می انگیزد و نوعی شور و شوق و هیجان به مخاطب می دهد و او را تحریک به عشق وطن می نماید.

«امید به آینده وطن در شعر پایداری ظهور می کند که از برجسته ترین ویژگی های ادبیات پایداری است و اگرچه ویران شدن خانه ها را گزارش می دهد اما در منطق ادبیات پایداری، ویرانی هر کلمه، نوید آبادانی میهن است» (امیری خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۷۴) و نصرالله مردانی هم به این طلوع، نوید می دهد:

چراغ کوکب شبنم به شاخه آویز است خزان گذشته و باد بهار گلریز است
جهان ز تابش خورشید عشق روشن باد طلوع فجر خدایی همیشه روشن باد
(مردانی، ۱۳۷۰: ۵۴)

زمانی که وطن مورد هجوم بیگانگان قرار گیرد شاعر پایداری، مردم را به مقاومت ترغیب می کند و چنین می سریاد:

گلگونه شهیدان با خون گل بشوید تا سرخ تر نماید رخسار روزگاران
 هابیلیان کجایند، قابیل دیگر آمد ننگ است جان سپردن در دخمه تاران
 (مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

هرگاه سخن از سرزمین و وطن به میان می‌آید «اسطوره‌های ملی مطرح می‌شوند و اسطوره‌ها و نمادهای ملی پل پیوند امروز و گذشته هستند» (واحد دوست، ۱۳۸۱: ۷)

جنگجویان دلاور، پیشتاژان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
 (همان: ۴۴)

۳-۵. شهادت طلبی

در مبارزات مردم بر علیه حکومت نامشروع، همیشه افرادی هستند که برای مردم وطن و عدالت، جان خود را از دست می‌دهند افرادی که جان خود را فدا می‌کرده‌اند به این امید که سایر مردم از ظلم و ستم نجات یابند و مبارزان راه آزادی و ایثارگرانی که هستی خود را به میدان نبرد آورده‌اند و در شکنجه گاه یا میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری هستند. شهادت، مرگ سرخ و مقدسی است که انسان آزاده، با شناخت آن را در راه عقیده و ایده‌های مقدس انتخاب می‌کند. در اعتقاد و باور ملل مختلف جهان شهادت عبارت است از مرگ سرخ قهرمانان و سربازان فداکاری که در نبردهای خونین به دست دشمن کشته و قربانی عقیده و مرام خود را فدایی ایده و سرزمین خویش می‌گردند این مرگ را شهادت و کشتگان را شهید نامند و برای عموم ملت‌ها اینگونه مرگ‌ها شکوه، عظمت و قداست خاص دارد (رضوانی، ۱۳۶۲: ۱۱۵-۱۲۴) معین بسیسو نیز در دیوان خود بسیار از شهید و مقام والای شهید سخن گفته است به طور مثال در قصیده "الأرض" چنین می‌گوید:

«تُفَاجِئُنِي الْأَرْضُ / وَكَفَّ الشَّهيدَ، بِحَجَمِ السَّمَاءِ / تُفَاجِئُنِي الْأَرْضُ / وَيَرْسُمُ وَجَهَ

فلسطينيا المُقبلة» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۶۴۴)

ترجمه: (زمین مرا غافلگیر می‌کند شهید، زمین را به سوی آسمان ترک کرد/ زمین مرا غافلگیر می‌کند و چهره فلسطین آینده را ترسیم می‌کند).

بسیسو در این شعر به فرزندان وطن که برای نجات سرزمینشان از چنگال دشمن پایداری می‌کنند اشاره دارد. وی با تعبیر زیبای «كَفُّ الشَّهِيدِ بِحَجَمِ السَّمَاءِ»، یکی از دقیق ترین تعبیر برای بیان جایگاه شهید در راه وطن را استفاده نموده است. یکی دیگر از مضامینی که بسیسو در شعر بدان پرداخته است جاودانگی شهید و تأثیر آن بر آگاهی و بیداری جامعه و ملت است. چرا که شهید پرچم شهادت را بالا برد، پرچمی که آزادی وطن را تضمین می‌کند. معین در چکامه "یومیات ملقن مسرح" اینچنین می‌سراید:

«كَانَ مُمَثِّلٌ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ دَوْرَ الشَّهِيدِ / وَكُنْتُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ تَلْقَوْنَ فَوْقَ جُرْحِهِ الْأَزْهَارَ / وَتَخْرُجُونَ وَتَصْرُخُونَ / تَطْلُبُونَ رَأْسَ قَاتِلِهِ» (همان: ۳۲۴)

ترجمه: (بازیگری هر شب نقش شهیدی را بازی می‌کرد و شما هرشب بر روی زخمش گل می‌پاشیدید، فریاد می‌زدید و سرقاتلش را می‌خواستید).

شاعر در اینجا به آمادگی هموطنانش برای شهادت در راه وطن، و واکنش مردم در برابر این حرکت اشاره دارد. اینکه آنها در تمام روزگار با نثار گل بر اجسادشان گرامی می‌دارند. بسیسو در سروده "ارفعوا عن أرض القناة" تأثیر خون در بیداری ملت را به تصویر می‌کشد و اینچنین می‌سراید:

«أَنَا أَكْتُبُ مِنْ أَجْلِ الْقَنَاةِ / بِنُجُومِ الدَّمِّ تَزْهُو فِي النَّهَارِ / نَجْمَةٌ تُومِضُ مِنْ كُلِّ رَصَاصَةٍ / أَطْلَقَتْهَا مِنْ يَدِ التِّلِّ الْكَبِيرِ / يَدُ فَلَاحٍ شَهِيدٍ / لَمْ تَزَلْ تَنْبُضُ فِي التِّلِّ الْكَبِيرِ / نَجْمَةٌ مِنْ كُلِّ أَبْنَاءِ السَّلَامِ ... / فَرَدَّ وَالرَّيَاثُ مِثْلُ الْأَجْنَحَةِ / لَنْ تَمُرَّ الْأَسْلِحَةُ» (همان: ۳۴۷)

ترجمه: (به خاطر نیزه می‌نویسم/ با ستارگان خونین که در روز می‌درخشند / ستاره ای که از هر گلوله می‌درخشد آن را از دست تپه بزرگ رها می‌کنم / دست

کشاورزی شهید / پیوسته در تپه بزرگ می‌تپد ستاره ای از تمام فرزندان صلح پرچم
ها را مثل پرها باز می‌کنند / هرگز اسلحه ای عبور نخواهد کرد).
بدون شک یکی از عوامل مهم و اساسی پایداری و پیروزی نیروی انسانی است.
نور و ظلمت در فرهنگ ایرانیان از دوره های گذشته نشانگر نیکی و بدی بوده
است. به این دلیل است که شاعران و نویسندگان در ادبیات اسلامی پدیده انقلاب
اسلامی ایران را به طلوع نور و خورشید و حکومت پهلوی را به شب تشبیه کرده
اند. مردانی، شاعر صبح و سپیده است و نور و روشنایی به صورت های گوناگون در
شعر او جلوه گری می‌کند. او در شعر زیر نیز از «خورشید» به عنوان نمادی برای
مبارزان بهره برده است:

بالشکریان نور، خورشید از حنجره سپیده آید
بر کشور شب زند شبیخون آواز زلال روز بیرون
(مردانی، ۱۳۷۰: ۹۰)

و یا در شعر زیر، «خورشیدیان»، نمادی دیگر برای رزمندگان است. این تعبیر در
مقابل شب پر ستان آمده است که بیانگر پاکی و قداست رزمندگان است:
شب پر ستان در حضور مرگ با شب خفته اند
بر لب خورشیدیان در شب خروشی دیگر است
(همان: ۴۳)

از جمله آرمان های مردانی و بسیسو، امید به پیروزی و زوال نظام های سلطه
گر و صلح و آزادی و عدالت، در آینده ای نزدیک و به وسیله ظهور منجی و
نجات بخش است که این مسئله در اشعار مردانی، نمود بیشتری داشته است. او از
نمادهایی چون: سردار گل، مرد همیشه قهرمان، منجی خاک، امیر عاشقان، خورشید
دل، دادخواه گل، قهرمان خاک، میر، قهرمان راستین و ... برای بیان منجی بشریت،
مهدی موعود استفاده کرده است. او در شعر آن مرد همیشه قهرمان می‌آید، ارادت
خاص خود را به امام زمان به عنوان نجات بخش، چنین بیان می‌کند:

از مشهد خون بانگ اذان می‌آید ... ای منتظران خسته شهر حصار
از راه مه آلود افق، منجی خاک .. بر بام فلق منادی بیداری
ای شب زدگان خفته! بیدار شوید در گلشن شعله، سربداران شهید
سردار گل از خوان خزان می‌آید آن مرد همیشه قهرمان می‌آید
با اسب ستاره دمان می‌آید گوید که امیر عاشقان می‌آید
خورشید دل از مشرق جان می‌آید گفتند که صاحب زمان می‌آید
(مردانی، ۱۳۷۰: ۵۱-۵۰)

در شعر زیر او از تعبیر زیبا و لطیف «دادخواه گل»، به عنوان نماد و رمزی
برای امام زمان (عج) که بار دیگر پرچم خونینش را بر فراز قبر شهیدان به اهتزاز در
می‌آورد، بهره برده است؛ چنان که لاله های جوان نیز نمادی برای شهیدان است:
بر گور لاله های جوان، دادخواه گل آرد دوباره رایت خونین به اهتزاز
(مردانی، ۱۳۷۰: ۹۷)

یکی از شاخص ترین مضامین شعر انقلاب اسلامی، شهادت طلبی است که
بخشی از عالی ترین مفاهیم شعر انقلاب را تشکیل داده است. همچنین در ادبیات
پایداری فلسطین از شهدا به عنوان اسطوره های فداکاری و ایثار، فراوان یاد شده
است. مردانی را باید شاعر شهیدان نامید؛ زیرا نه تنها در ایام انقلاب و دفاع مقدس
برای شهیدان شعر می‌سرود و در محافل، کنگره ها و یادواره های شهدا با افتخار
شرکت می‌کرد، بلکه به گردآوری و سامان بخشی و تشر اشعار شهیدان می‌پرداخت
که حاصل این زحمات در کتاب شهیدان شاعرا چاپ و منتشر شده است. (مردانی،
۱۳۸۷: ۲۱-۲۰) مردانی، در شعرش از شهیدان و مبارزان کشته شده با نمادهایی
همچون: گل های عاشق، غنچه های پرپر، لاله های جوان و ... یاد کرده است.
در ادامه، جدولی ارائه شده که جلوه‌های مشترک بیداری اسلامی در اشعار
نصرالله مردانی و معین بسیسو را به همراه نقاط اشتراک و افتراق آنها بهتر نشان
می‌دهد:

نقاط افتراق	نقاط اشتراك	مؤلفه‌های بیداری اسلامی
بسیسو بیشتر بر بیداری عرب‌ها در برابر اشغال فلسطین تأکید دارد، در حالی که مردانی بر آگاهی ایرانیان در مقابل استعمار و استبداد داخلی/خارجی تمرکز می‌کند.	هر دو شاعر از نمادها و تصاویر شعری برای بیداری ملت‌های خود استفاده می‌کنند. مردانی با واژگانی چون «سیل فریاد» و بسیسو با نماد «عصفور» و تکرار «استیقظ» مردم را به آگاهی فرامی‌خوانند.	بیداری و آگاهی مردم
بسیسو امید را در قالب مقاومت فلسطینیان و مردانی در قالب پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور منجی (امام زمان) بیان می‌کند.	هر دو شاعر امید به پیروزی نهایی را در اشعار خود زنده نگه می‌دارند و از نمادهای نور، فجر و پیروزی حق بر باطن استفاده می‌کنند.	امید به پیروزی
بسیسو قیام را در چارچوب مقاومت فلسطین و اتحاد عربی می‌بیند، در حالی که مردانی قیام را در چارچوب انقلاب اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی ترسیم می‌کند.	هر دو مردم را به قیام و مقاومت در برابر ظلم و اشغال تشویق می‌کنند و از تصاویر حماسی و تهییج‌کننده بهره می‌برند.	قیام و خیزش انقلابی
بسیسو وطن را به مثابه سرزمین اشغال‌شده می‌بیند و مردانی وطن را به عنوان سرزمینی مقدس که باید از استعمار و تهاجم فرهنگی دفاع شود.	عشق به وطن و دفاع از آن از مؤلفه‌های اصلی شعر هر دو است. بسیسو از نام «غزه» و مردانی از «شهر» و «ایران» به عنوان نمادهای وطن یاد می‌کنند.	دفاع از وطن

مؤلفه‌های بیداری اسلامی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق
شهادت طلبی	هر دو شهدا را به عنوان الگوهای فداکاری و نماد مقاومت می‌ستایند و از نمادهای گل، خون و نور برای تجلیل از شهید استفاده می‌کنند.	بسیسو شهید را در بستر مقاومت فلسطینی و مردانی شهید را در چارچوب دفاع مقدس و انقلاب اسلامی قرار می‌دهد.
اتحاد و همبستگی اسلامی	هر دو بر اتحاد مسلمانان در برابر دشمن مشترک تأکید دارند و از مفاهیم قرآنی و اسلامی برای تقویت این همبستگی بهره می‌برند.	بسیسو اتحاد را بیشتر در سطح جهان عرب و مردانی در سطح امت اسلامی و فراتر از مرزهای جغرافیایی مطرح می‌کند.
نمادگرایی	هر دو از نمادهای طبیعی و اسطوره‌ای برای انتقال مفاهیم بیداری اسلامی استفاده می‌کنند.	بسیسو بیشتر از نمادهای طبیعت (پرنده، گل، دریا) و مردانی از نمادهای اساطیری ملی (ضحاک، اسفندیار) و دینی (امام زمان، شهدا) بهره می‌برد.

۴- نتیجه گیری

نتایجی که از تحقیق حاضر استنتاج می‌شود به شرح ذیل است:

معین بسیسو از جمله شاعران معاصر فلسطینی می‌باشد که اشعار پیرامون بیداری اسلامی او زبانزد خاص و عام است؛ همچنین نصرالله مردانی نیز از شاعران متعهد ایرانی می‌باشد که اشعار متعددی در دفاع از انقلابی گری و همچنین بیداری اسلامی مسلمانان در برابر استعمار سروده است. با توجه به بررسی های صورت

گرفته در دیوان اشعار هر دو شاعر، دارای اشتراکات فراوانی در زمینه پایداری هستند که در ذیل به آنها اشاره می‌نماییم:

-بیداری و آگاهی آحاد مردم یکی از رسالت های شعری نصرالله مردانی و معین بسیسو در اشعارشان است شاعرانی از دیار کازرون و غزه که عنصر پایداری رشد و نمو یافته‌اند و درجهت بیداری امت خویش کوشیده‌اند مسأله آگاه سازی مخاطب امری بس دشوار است و باید با ظرافت و مهارت آن را بیان نمود به طوری که هم خواننده اصل بحث را کامل دریافت نماید و هم اینکه از تیغ برنده انتقادات مخالفان جان سالم به در ببرد هر دو شاعر دارای اشتراکات بسیاری در این بن مایه هستند که در مثال های متعدد شعری‌شان تبلور یافته‌است.

-شهادت و شهادت طلبی یکی از مضامین اصلی در راستای بیداری و خیزش انقلابی ملت محسوب می شود و هردو شاعر با بسامد فراوانی آن را در اشعارشان به کار بسته اند هر دو شاعر از جانفشانی های هموطنانشان در راه وطن سخن می‌گویند و ارزش معنوی جایگاه ایثار در دفاع از آرمانهای یک سرزمین واژگان کلیدی مردانی و بسیسو به شمار می‌رود.

-وطن و دفاع از کیان آن یکی از بن مایه های اساسی نصرالله مردانی و معین بسیسو می باشد هر دو شاعر به وطن خود عشق می ورزند معین بسیسو شاعری است که همواره در تبعید و به دور از وطن بوده است لکن این دوری مانع از ابراز عشق به وطن و کوشش برای بیداری ملت خویش نگشته است تا جائیکه که قصیده‌ای از او می‌یابیم مگر اینکه هموطنانش را برای مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی تهییج می‌کند نصرالله مردانی نیز همواره از مام وطن دفاع نموده و بر استعمارگرانی که چشم سلطه بر آن می نگرند، با اشعار باصلابتش بر آنها می‌تازد.

-امید به پیروزی و موفقیت از سازوکار اصلی بیداری یک ملت به شمار می‌رود تا زمانیکه نا امیدی بر جامعه‌ای چیره شده باشد آن جامعه نتواند در جهت اهداف و آرمان‌های خویش حرکت نماید از همین رو برافروختن شمع امید امری مهم و

کلیدی است نصرالله مردانی و معین بسیسو هردو در سرودهای خود بر این موضوع تأکید داشته اند و همواره بذر امید را در دل ملت خویش کاشته‌اند و آن را تا سرمنزل مقصود که همان بیداری مردم و رسیدن به پیروزی است، همراهی ساخته اند.

منابع و مأخذ

قرآن الکریم.

۱. ابوالشباب، واصف. (۱۹۸۸)، القديم و الجديد فی الشعر العربی الحديث، بیروت: دار النهضة العربیة للطباعة والنشر والتوزیع.
۲. امیری خراسانی، احمد و عسگر حسن پور (۱۳۸۹)، «مؤلفه های پایداری در سیمای شخصیت های رمان دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره ۲، صص ۳۱-۴۴.
۳. بابا سالار، علی اصغر؛ خضور، جولیت (۱۳۹۸)، «جلوه های مقاومت در اشعار نصرالله مردانی و بدوی الجبل»، مجله ادبیات پایداری، شماره ۲۰، صص ۱-۲۶.
۴. بسیسو، معین. (۱۹۸۱م)، دیوان الشعر، بیروت: دار العوده.
۵. بلاوی، رسول، مهوش حیاتی، محمدجواد پورعابد، علی خضری (۱۴۰۲)، «واکاوی مؤلفه های بیداری اسلامی در شعر سعید معتوق»، مجله نقد تحلیل و زیبایی شناسی متون، سال ششم، شماره ۱، صص ۵۱-۷۲.
۶. پرهام، سیروس. (۱۳۶۲)، رئالیسم و ضدرئالیسم در ادبیات، تهران: نشر آگاه، چاپ هفتم.
۷. رستم پورملکی، رقیه؛ شیرزاد، فاطمه (۱۳۹۱) «صورة الشهيد فی شعر أحمد دحبور و معین بسیسو»، مجله لسان مبین، شماره ۱۰، صص ۷۶-۹۶.
۸. رضوانی، علی اکبر (۱۳۶۲)، فلسفه شهادت، قم: هجرت، چاپ اول.

٩. العراقي، فائز، (١٩٩٨م)، شعر الانتفاضة في البعدين الفكري و الفني، دمشق: منشورات اتحاد الكتب العربي.
١٠. علای، مشیت (١٣٨٠)، «نقد ادبی و جامعه شناسی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ٤٦-٤٧.
١١. الغوري، إميل (١٩٥٩)، دراسة سياسية علمية مركزة عن الأسباب الحقيقية لنكبة فلسطين، بيروت: دارالنشر العربية.
١٢. صدقي، حسين و اميرعلى عظيم زاده (١٣٩٢)، «بررسی موسیقی و صورخیال در شعر جنگ نصرالله مردانی»، مجله ادبیات پایداری، سال پنجم، شماره ٩، صص ١٨٧-٢١١.
١٣. طالب پور، دانا (١٤٠٢)، «تبلور شاخصه‌های پایداری و آزادی‌خواهی در اشعار سمیع صباغ و قیصر امین‌پور»، مجله الدراسات الأدبیة، شماره ١٠٥، صص ١٦١-١٨٨.
١٤. قادری، قادر (١٤٠٢)، «بازتاب بیداری اسلامی در اشعار مصطفی صادق رافعی»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره دوازدهم، شماره ٤، صص ٩٣-١١٥.
١٥. القرزاوی، محمد یوسف، (١٩٩٧م)، الصحوۃ الإسلامیة و هموم الوطن العربی و الإسلامی، ط٢، القاهرة: مكتبة وهبیه.
١٦. کاظمی، محمد کاظم (١٣٩٠)، ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر، چاپ دوم.
١٧. محمدی افشار، هوشنگ؛ عقیلی، سید عبدالرسول (١٣٩٦) «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های پایداری در شعر سلمان هراتی و معین بسیسو»، مجله پژوهشنامه اورمزد، شماره ٣٩، صص ١٢٨-١٤٢.
١٨. مردانی، نصرالله، (١٣٨٨)، عشق می‌گوید، چ ١، تهران: انجمن قلم ایران.
١٩. _____ (١٣٨٧)، آن یار دلنواز، تهران: انتشارات سوره مهر.
٢٠. _____ (١٣٨٨)، قانون عشق، مجموعه شعر. تهران: صدرا.

۲۱. _____ (۱۳۷۰). خون‌نامه خاک. تهران: کیهان.
۲۲. _____ (۱۳۶۰). قیام نور. تهران: انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
۲۳. المقالح، عبدالعزيز (۱۹۹۲)، صدمة الحجارة: دراسة في قصيدة الانتفاضة، بيروت: دار الآداب.
۲۴. مهتدی، حسین؛ موسوی نسب، سیده مریم (۱۴۰۴)، « بررسی مضامین پایداری در شعر معین بسیسو و سعید بیابانکی»، مجلة الدراسات الأدبیّة، شماره ۱۰۹، صص ۱۱۵-۱۵۰.
۲۵. واحد دوست، مهوش (۱۳۸۱)، رویکردهای علمی به اسطوره شناسی، تهران: سروش.